

# سُفْنَامِ عَتَّابَةٍ

گارشی مبسوط از بیماری و باد ریان و عراق

۱۳۲۲ تا ۱۳۲۱ صفر ۴ رمضان

۱۰ شوال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۳ صفر

تأثیر:

حسین خان حماجراء معروف بشجاع السلطان هم رئیس

شیخ و زین خدیل طاو

سروشانه سپاهی	عنوان و نام بدیدآور
منشخصات شتر	منشخصات طاهری
شابرک	شابرک
وضعیت قهرست نویسی	قیبا
موضوع	شجاعالسلطان، حسین
موضوع	سفرنامه عتبات : گزارشی مبسوط از بیماری و با در ایران و عراق(۳) رمضان ۱۳۲۱ نا ۱۶ صفر ۱۳۲۲ (۱۰ شوال ۱۳۲۲)
موضوع	نا ۲۲ صفر ۱۳۲۲) / بالغی حسین خان مهاجرانی معروف به شجاعالسلطان همدانی : تحقیق و تصحیح سیدخلیل طاووسی.
موضوع	تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۶.
موضوع	منشخصات شتر
موضوع	منشخصات طاهری
شابرک	شابرک
وضعیت قهرست نویسی	قیبا
موضوع	شجاعالسلطان، حسین -- سفرها -- عراق -- حافظات
موضوع	سفرنامه های ایرانی -- قرن ۱۷ ق.
موضوع	Travelers' writings, Iranian -- 19th century
موضوع	نیزگاههای اسلامی -- عراق -- حافظات
موضوع	Islamic shrines -- Iraq -- Diaries
موضوع	وبا -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۷ ق.
موضوع	Cholera -- Iran -- History -- 19th century
موضوع	وا -- عراق -- تاریخ -- قرن ۱۷ ق.
موضوع	Cholera -- Iraq -- History -- 19th century
موضوع	عراق -- سیر و سیاحت
موضوع	Iraq -- Description and travel
شناسه افروزه	طاووسی، سیدخلیل، مصحح
رده نندی کنگره	DSV-۱۳۹۶/۵۰/۳
رده نندی دیوبی	۹۱۰/۶۷۰۴۳
شماره کتابشناسی ملی	۰-۷۸۲۲۳

## سفرنامه عتبات

### گزارشی مبسوط از بیماری و با در ایران و عراق

تألیف :	حسین شجاعالسلطان
تهییه و تدوین :	پژوهشکده حج و زیارت
ناشر :	مؤسسه فرهنگی هنری مشعر
چاپ و صحافی :	چاپخانه مشعر
نوبت چاپ :	اول - بهار ۱۳۹۷
شمارگان :	۱۰۰۰ نسخه
بهای:	۲۱۳۰۰ تومان

ISBN : 978-964-540-738-2

شابرک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۷۳۸-۲

تلفن مراکز پخش و فروشگاههای مشعر

تهران : تلفن : ۰۲۱-۶۴۵۱۲۰۰۳ / قم : ۰۲۵-۳۷۸۳۸۴۰۰

## فهرست

۱۷.....	دیباچه
۱۹.....	مقدمه مصحح
۲۰ .....	مروری کوتاه بر زندگی نویسنده
۲۲ .....	دوستدار علم و علما
۲۴ .....	بازسازی حرم حرّ بن یزید ریاحی
۲۵ .....	ویژگی‌های سفرنامه شجاع‌السلطان
۲۷ .....	ویژگی‌های نوشتاری متن اصلی و تصحیح آن
۲۸ .....	معرفی نسخه
۳۱.....	سفرنامه اول: رمضان ۱۳۲۱ قمری
۳۳ .....	آغاز سفرنامه اول
۳۴ .....	وداع با دوستان و بستگان
۳۵ .....	حرکت از همدان به اسدآباد
۳۷ .....	میهمانی در منزل حاکم اسدآباد
۳۸ .....	کنگاور خالی از سکنه
۳۹ .....	غارت دهات اطراف صحنه
۴۰ .....	ازدحام زوار در صحنه
۴۱ .....	ظلم مأمورین گمرک به زوار
۴۲ .....	کثرت کاروان و فراوانی نعمت

۴۵	میزبانی کارگزاران امور خارجه
۴۶	نوحه‌خوانی با هزلیات
۴۷	افطاری در حضور فرمانفرما
۵۰	ورود به کاروانسرای ماهدشت
۵۱	سیاهه صورت اموال نویسنده
۵۳	حرکت به طرف هارون‌آباد
۵۴	حکومت رعایا بر هارون‌آباد
۵۴	سخت‌گیری در جابه‌جایی کتاب
۵۴	مراجعةت زائران از راه کرند
۵۶	میان طاق سرحد گرم‌سیر
۵۷	غذا خوردن با دختران کرد
۵۸	هوای گرم پایین طاق
۵۹	منازعه با صاحب خانه
۶۰	ولايت بی‌صاحب
۶۰	شکار دُرّاج در میان تنگ
۶۰	زنان سوزمانی بر سر راه زوار
۶۳	نفوذ نواب‌ها در گمرک عثمانی
۶۳	مصطفیت‌نامه زوار عتبات
۶۴	گرانی هرساله اجناس
۶۵	استراحت در قصر شیرین
۶۵	علمای ایران و موقوفات
۶۷	هدیه حاکم قصر شیرین
۶۸	بلای واقعی مملکت
۶۸	مانعت از ورود جنازه به خانقین
۷۰	رفتارهای زشت زوار
۷۰	کاروانسراهای شلوغ در عثمانی
۷۱	گزارشی از مسلمانان روسیه

۷۲	حرکت در روز شهادت...
۷۳	شکار دُرّاج در خوان خورشید
۷۵	پاییز زیبای ارتهخوان...
۷۷	شیوع وبا و ایجاد قرنطینه
۷۸	همسفر شدن با سه نفر یهودی
۸۰	رشوه به مأمورین و عبور اجناس
۸۱	ملاقات با شاهزاده احمدمیرزا
۸۱	کسالت در بغداد
۸۲	ملاقات با نظامالعلماء
۸۲	فرستادن سوغاتی برای مقامات
۸۳	خرید و فروش توله در کاظمین.
۸۴	خریدن قوش در کاظمین.
۸۴	خبر تقلیل یافتن وبا در کربلا
۸۴	دیدار با امام جمعه تهران
۸۵	دولت عثمانی و اخراج زوار
۸۵	برپایی جشن عید فطر در بغداد
۸۶	حکم صریح برای اخراج زوار
۸۷	مهلت سه روزه خروج از کاظمین
۸۷	توسل به امام کاظم علیه السلام برای ماندن
۸۸	نامیدی و تدارک بازگشت
۸۸	لغو حکم اخراج
۹۰	گردش در بغداد جدید
۹۰	رشوه ندادن و گرفتن گمرکی زیاد
۹۱	کثیف نمودن شهر و اخراج زوار
۹۲	شیون زوار در اخراج از کاظمین
۹۲	توسل به جهت خلاصی از اخراج
۹۳	قرار رفتن به سامرا

۹۴	اجازه حرکت به نجف از راه حله.....
۹۴	ملاقات با حجه‌الاسلام کربلا.....
۹۵	قیمت‌گذاری اسب و مادیان.....
۹۶	تعمیر چادر در بغداد.....
۹۶	حرکت به سوی سامرا.....
۹۷	پناهنده شدن به انگلستان.....
۹۸	فاتحه بر سر قبر ابراهیم بن مالک.....
۹۹	اشتهار شجاع‌السلطان.....
۱۰۰	شکرگزاری به درگاه خدا.....
۱۰۱	زيارت سردار سامرا.....
۱۰۲	بسلوکی اهل سامرا با زوار.....
۱۰۴	منزلت شجاع‌السلطان در سامرا.....
۱۰۶	بازگشت از سامرا.....
۱۰۷	زوار رها شده از قرنطینه کربلا.....
۱۰۸	تاریخچه پل معتصم.....
۱۰۹	زيارت سید محمد در ڈجیل.....
۱۰۹	دیدار شیخ اسدالله همدانی.....
۱۱۰	کاروانسراي خوان مشاهده.....
۱۱۱	تلگراف‌هایی از اخبار ایران.....
۱۱۱	ورود به کاظمین.....
۱۱۳	گدایان سامره و زوار عتبات.....
۱۱۳	شیوع وبا در بغداد و کاظمین.....
۱۱۴	درمان تب نوبه.....
۱۱۵	تعیین مسیر حرکت به کربلا.....
۱۱۶	نامه‌نگاری و گرفتن آدرس نامه.....
۱۱۷	منازعه با الواط کاظمین.....
۱۱۷	دوستان شجاع‌السلطان در گذشته.....

۱۱۹	رساله وقفیه نزد شجاعالسلطان
۱۱۹	دوستان نویسنده در ممالک دیگر
۱۲۰	افسوس از نداشتن وارثی لایق
۱۲۱	میزبانی از شاهزاده احمدمیرزا
۱۲۲	ملاقات با دوستان کاظمینی
۱۲۴	تمهیداتی برای حرکت به کربلا
۱۲۵	کشته شدن کودکی در زیر گاری
۱۲۶	حبس زوار در قرنطینه مسیب
۱۲۷	به خاک افتادن در ورودی کربلا
۱۲۷	اجاره کردن منزل در کربلا
۱۲۸	سوق زیارت امام حسین علیه السلام
۱۲۸	دیدار مقامات اداری با نویسنده
۱۲۹	ملاقات با دوستان و همدانی‌ها
۱۳۱	آداب و رسوم عروسی در کربلا
۱۳۲	برداشتن قرنطینه از راه کاظمین
۱۳۳	دیدار با مشاور وزاره و رئیس بلده
۱۳۴	تعمیر دستشویی‌های حرم
۱۳۴	تهیه چلوکباب برای دوستان
۱۳۵	تهیه وسایل منزل و مباحثه علمی
۱۳۶	پذیرایی با چلوکباب
۱۳۷	تهیه مقدمات سفر به نجف
۱۳۷	حرکت به نجف با گاری
۱۳۹	ملاقات با علمای نجف
۱۴۰	دوختن عبای نجفی
۱۴۰	زیارت اهل قبور وادی‌السلام
۱۴۱	تماشای فتوگرافی در نجف
۱۴۲	دلدادگی به طفل رشتی

۱۴۳	ملاقات پسر شیخ جعفر شوشتاری
۱۴۴	ملاقات با نعمت‌الله عبادوز در منزل
۱۴۵	خریدن پارچه به بهانه دیدن نعمت‌الله عبادوز
۱۴۶	پیدا شدن رقیب
۱۴۷	به‌جا آوردن اعمال مسجد کوفه
۱۴۸	دفن دو جنازه به جای یک جنازه
۱۴۹	آماده شدن جهت بازگشت
۱۵۰	میزبانی از علمای نجف در منزل
۱۵۱	وداع با نجف با حالتی اندوه‌بار
۱۵۲	بازگشت به کربلا و بیماری
۱۵۳	رؤیت ماه ذی‌الحجه از مناره‌ها
۱۵۴	دیدار در کربلا با نعمت‌الله عبادوز رشتی
۱۵۵	پیش‌نمایی سید محمد باقر
۱۵۶	تهییه کفش و چکمه در کربلا
۱۵۷	زیارت حضرت حرّ
۱۵۸	مناظره علمی با قاضی عثمانی
۱۵۹	سنی‌ها و حقانیت امام علی علیهم السلام
۱۶۰	ازدحام برای زیارت عرفه
۱۶۱	ازدحام نمازگزاران
۱۶۲	کرامت امام علی علیهم السلام در روز عید قربان
۱۶۳	دید و بازدید عید قربان
۱۶۴	هدایای حرم حضرت ابوالفضل علیهم السلام
۱۶۵	شایعه وقوع وبا در نجف
۱۶۶	دیدار و مشورت با همشیره‌زاده
۱۶۷	الله اکبر گفتن مرغ مینا
۱۶۸	درمان درد مفاصل
۱۶۹	عقابت طمع ورزی

۱۶۷	عید غدیر در حایر حسینی
۱۶۸	گرداندن عروس در کربلا
۱۶۹	خریدن اسب تیزرو
۱۶۹	ایجاد قرنطینه در اطراف بغداد
۱۶۹	همسایگی با شیخ رضا همدانی
۱۷۰	رفتن به حمام بغدادی در کربلا
۱۷۱	خریدن زمین ساختمانی در کربلا
۱۷۳	خریدن صحیفه
۱۷۴	خریدن لوازم مورد نیاز از بازار
۱۷۴	حرکت دسته‌جات در اول محرم
۱۷۵	برپایی مجالس روضه در کربلا
۱۷۶	برپایی تکیه و قمه زدن ترکها
۱۷۶	مراسم تعزیه توسط اقوام مختلف
۱۷۸	سرقت وسایل منزل
۱۷۸	زیارت عاشورا در حرم حسینی
۱۷۹	دفن جنازه در نیمه‌شب عاشورا
۱۸۰	مراسم عزاداری روز عاشورا
۱۸۱	بازگشت زوار ایرانی از کربلا
۱۸۱	تسویه حساب با طلبکارها
۱۸۲	خریدن سوغات از کربلا
۱۸۳	وداع و حرکت از راه عون
۱۸۴	خرابی پل مسیب
۱۸۵	متوقف شدن در قرنطینه محمودیه
۱۸۵	بالا آمدن آب فرات
۱۸۶	بسته شدن راه سامرا
۱۸۷	ابراز محبت یک دوست قدیمی
۱۸۸	گسترش وبا در کرمانشاه

۱۸۸.....	بسته شدن راه بغداد
۱۸۹.....	تسویه حساب با بغدادی‌ها
۱۹۰.....	خارج شدن از بغداد با قفه
۱۹۰.....	عبور از قرنطینه بغداد
۱۹۱.....	اجازه خروج فقرا از خوان
۱۹۲.....	دزدان راه کراره
۱۹۳.....	شهروان، نهروان قدیم
۱۹۴.....	تعلل مُکاری‌ها در حرکت
۱۹۵.....	بازگشت از راه جبل و قزل‌رباط
۱۹۶.....	وضعیت نابسامان گمرکات
۱۹۷.....	درگیری مردم با حاکم قصر شیرین
۱۹۸.....	شکار دُراج در قصر شیرین
۱۹۸.....	کاروانسرا ویرانه سرپل
۱۹۹.....	کِرن، آبادترین منزل در بین راه
۲۰۱.....	دیدن یک دوست قدیمی
۲۰۲.....	ایل‌های ساکن در هارون آباد
۲۰۲.....	استقبال فریدالملک
۲۰۴.....	تعمیر کاروانسرا ماهدشت
۲۰۵.....	گوشت گوسفند ماده در ماهدشت
۲۰۵.....	ملک‌الشعراء طبیب قرنطینه
۲۰۶.....	تکریم از سوی اشراف کرمانشاه
۲۰۷.....	دیدار با فرمانفرما
۲۰۸.....	قرنطینه بیستون
۲۰۹.....	مانعنت از ورود زوار به کنگاور
۲۱۰.....	شیوع بیماری و تغییر مسیر
۲۱۰.....	سرقت اموال مردم و فروش آنها
۲۱۲.....	استقبال در نزدیکی همدان

۲۱۳.....	<b>سفرنامه دوم: شوال ۱۳۲۲ هجری قمری</b>
۲۱۵.....	آغاز سفر دوم.....
۲۱۵.....	دیدار با دوستان و آشنايان.....
۲۱۵.....	نحسی سیزده و توقف در همدان.....
۲۱۶.....	همسفران شجاعالسلطان.....
۲۱۶.....	بدرقه و وداع با دوستان.....
۲۱۷.....	حرکت از همدان.....
۲۱۸.....	برف گیر شدن در گردنه اسدآباد.....
۲۱۹.....	ملاقات با حاکم اسدآباد.....
۲۲۰.....	کنگاور، شهری نه‌چندان آباد.....
۲۲۱.....	سرمای صحنه و گرفتن درز در.....
۲۲۲.....	شب نهم چله در بیستون.....
۲۲۳.....	توقف در کرمانشاه.....
۲۲۵.....	دیدار با شاهزاده فرمانفرما.....
۲۲۶.....	دیدار از مريض خانه کرمانشاه.....
۲۲۸.....	مدعونين در ضيافت فرمانفرما.....
۲۲۹.....	تفريح فرمانفرما.....
۲۳۰.....	تبليزه در ماهی دشت.....
۲۳۳.....	گل کرند و سختی راه.....
۲۳۴.....	خشکي قنات و خرابي خسروآباد.....
۲۳۴.....	شکار كبك در پاتاق.....
۲۳۶.....	ملاقات با حاکم قصرشيرين.....
۲۳۷.....	گمرک خانقين.....
۲۴۰.....	شکار زاغچه به جاي تيهو.....
۲۴۲.....	سرای فرمانفرما در کاظمين.....
۲۴۳.....	دیدار با ممتحن السلطنه.....
۲۴۵.....	خرید گره اسب در بغداد.....

۲۴۶	گرفتار شدن به تب نوبه یا تبلرزو
۲۴۸	چاپ عکس در بغداد
۲۵۱	ملاقات با محتشم‌السلطنه
۲۵۲	سکونت در کربلا
۲۵۳	نامه به عین‌الدوله صدر اعظم
۲۵۵	نامه‌نگاری با برخی از رجال
۲۵۶	گوش دادن به آواز ببل
۲۵۷	بساط دلایی در صحن
۲۶۱	ازدحام جمعیت در کربلا
۲۶۲	دولتمردان قاجار در کربلا
۲۶۳	کرامت امام و شلیک شدن تیر
۲۶۳	شب و روز عرفه در کربلا
۲۶۴	عید قربان در کربلا
۲۶۵	پیاده‌روی از کربلا به نجف
۲۶۷	همسایگی میرزا حبیب‌الله رشتی
۲۶۹	کثرت زوار نجف در عید غدیر
۲۷۰	شب عید در صحن نجف
۲۷۲	خریدن سوغات از بازار نجف
۲۷۳	تمرین تیراندازی بر ساحل شط
۲۷۵	ملاقات با مجتهدین نجف
۲۷۷	مسجد کوفه و سهله و اعمال آن
۲۷۸	شب جمعه در وادی‌السلام نجف
۲۷۹	حرکت به طرف کربلا
۲۸۳	تکایای زوار ایرانی در کربلا
۲۸۴	مراسم سینه‌زنی در حائر حسینی
۲۸۶	دلای اسب و تفنگ
۲۸۸	روز تاسوعا در کربلا

۲۸۹	عاشورای کربلا، محشر عظمی
۲۸۹	عصر عاشورا در خیمه‌گاه
۲۸۹	شام غریبان در حائر حسینی
۲۹۰	زیارت مرقد حرّ
۲۹۱	پخش شربت در صحن
۲۹۲	حرکت از کربلا به مسیب
۲۹۳	توقف در محمودیه
۲۹۴	گرفتن پول برای گذشتن از پل
۲۹۴	چراغ برق صحن، هدیه شیخ خزعل
۲۹۶	راهزنان دُجیل
۲۹۷	دیدار با علمای سامرا
۲۹۹	خبر فوت مامقانی
۲۹۹	درگیری زوار با خدام سامرا
۳۰۰	مراجعت به کاظمین با کشتی
۳۰۰	صحبت کردن به زبان‌های مختلف
۳۰۰	گزارشی از جنگ ژاپن و روس
۳۰۲	رساله مشروطه خواهی
۳۰۵	کرایه کشتی و مسافت طی شده
۳۰۶	خرید اسب و لباس از بغداد
۳۰۷	توصیه به مطالعه لولوء و مرجان
۳۰۹	خرید سوغاتی از بازار
۳۱۰	باج دادن به کارمندان گمرک
۳۱۲	شکار دُراج و خورشت آلوچه
۳۱۳	نجات فقیر اصفهانی در گمرک
۳۱۴	استقبال صمصمالممالک از شجاعالسلطان و هموهانش
۳۱۶	گرانی کاه و جو در پایین طاق
۳۱۷	نان سنگک در هارونآباد

---

۳۱۸.....	اشغال اتاق‌های کاروانسرا.
۳۱۹.....	دیدار با آیت‌الله آقارحیم آل آقا
۳۲۳.....	یادداشت مطالب رساله مشروطه
۳۲۵.....	رسیدن به همدان و پایان سفر
۳۲۷.....	<b>کتابنامه مصحح</b>

## دیباچه

سفرنامه‌ها به ویژه سفرنامه‌های مربوط به عتبات عالیات، به عنوان کانون‌های مقدس شیعیان و دیگر مسلمانان، از اهمیت خاصی برخوردار است. این دسته از آثار، دربردارنده اطلاعات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مفیدی از مبدأ سفر، مسیر متنه‌ی به کشور مقصد و بیشتر، از خود مقصد سفر هستند. از عصر قاجار سفرنامه‌های بسیاری بر جای مانده که برخی از آنها مربوط به عتبات عالیات، و دارای اهمیت تاریخی است. سفرنامه پیش رو نیز از این قاعده مستثنა نیست؛ بلکه از جهاتی مهم‌تر نیز می‌باشد.

مؤلف این سفرنامه یکی از شخصیت‌های عصر قاجار، مشهور به «شجاع‌السلطان همدانی» است که گزارش روزانه سفرش را به عتبات عالیات، تدوین کرده و اطلاعات مفیدی را ارائه داده است. وی سفرهای بسیاری به شهرهای مذهبی عراق داشته و در بردهای نیز مقیم کربلای معلا بوده است. او همچنین، به عنوان یکی از صاحب منصبان عصر قاجار، بانی برخی اقدامات عمرانی در عتبات مقدس بوده است. از این‌رو شجاع‌السلطان آشنایی نسبتاً کاملی به اوضاع عراق، به ویژه عتبات عالیات داشته و در سفرنامه خود، اخبار چشم‌گیری در زمینه‌های گوناگون، اعم سیاسی و اجتماعی، ارائه

کرده است که می‌تواند مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد.

اثر حاضر به تحقیق و تصحیح محقق گران‌قدر، جناب آقا‌ی سید‌خلیل طاووسی انجام شده است که پژوهشکده حج و زیارت، تلاش وی را ارج می‌نهاد. امید است این اثر، مورد توجه خوانندگان و پژوهشگران قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

گروه تاریخ و سیره

پژوهشکده حج و زیارت

## مقدمه مصحح

سپاس و ستایش خداوند جل جلاله را سزاست که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، ڈرفشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید. خداوند مهربانی که به انسان توانایی و دانایی بخشید تا به بندگانش شفقت ورزد و مهربانی کند و در حل مشکلاتشان یاریشان نماید؛ از راحت خویش بگذرد و آسايش همنوعان را مقدم دارد و تنها با او معامله کند و کسی را انباز نگیرد و خوش باشد که پروردگار، سميع و بصیر است. و درود و سلام بر حضرت محمد ﷺ و خاندان گرامی اش، که سرچشمہ زلال معرفت و راهنمایان بشر در ظلمت تاریکی اند.

بی تردید، سیر و سفر، به ویژه سفرهای زیارتی، در اعماق فطرت آدمیان ریشه دارد و رهیافتی از تاریخ مقدس پیامبران است. سفرها، هجرت‌ها و گردش‌های فردی و گروهی، با انگیزه‌های علمی، تجاری، جهادی، زیارتی و عبادی، پیشینه‌ای ناشناخته، و ابعادی گستردۀ دارد و از روزی که انسان بر کره خاکی پای نهاده، مهاجر، سیاح، زائر و جهانگرد بوده است. از سوی دیگر، زیارت، یکی از مناسک رایج اغلب مذاهب اسلامی است و با توجه به نقش محوری امام در مذهب شیعه، زیارت مرآقد مطهر ایشان، همواره مورد

توجه شیعیان بوده است.

در این میان، شهرهای مذهبی عراق (کربلا، نجف، کاظمین و سامرا)، که مدفن امامان شیعه‌اند و آنها را «عتبات عالیات» می‌گویند، به عنوان مراکز مهم علمی و آموزشی جهان تشیع در طول تاریخ، اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند و شیعیان جهان، به ویژه ایرانیان، از دیرباز نگاه خاصی به این شهرهای مقدس داشته‌اند. بارزترین مصداق این توجه نیز سنت گزارش‌نویسی در سفر، یا سفرنامه‌نویسی است. این سنت که از دیرباز به شکل محدود، مرسوم بود، در دوره قاجار رواج چشم‌گیری یافت. سفرنامه‌نویسان این دوره، هر یک با تخصص‌ها و گرایش‌های فکری خود، کوشیده‌اند آداب و رسوم مردم شهرها و روستاهای ایران و عراق را بازگو کنند و اماکن و آثار تاریخی و حوادث و رویدادهای بین راه را تشریح و توصیف نمایند.

یکی از سفرنامه‌هایی که در دوره قاجار تدوین شده، سفرنامه عتبات از «میرزا حسین خان قراگوزلو مهاجرانی»، معروف به «شجاع‌السلطان همدانی» است که سفرنامه اولش از روز سه‌شنبه، چهارم رمضان المبارک سنه ۱۳۲۱ آغاز شده و در سه‌شنبه، شانزدهم صفرالمظفر سال ۱۳۲۲، پس از پنج ماه و اندی، پایان پذیرفته است. سفرنامه دومش نیز از روز یک‌شنبه، دهم شوال ۱۳۲۲، از همدان آغاز شده و تا روز شنبه، ۲۳ صفر ۱۳۲۳، به مدت چهار ماه، ادامه یافته است.

وی در یادداشت‌های روزانه‌اش به چگونگی سفرش از همدان به کاظمین و سامرا، و سپس به کربلا و نجف، به تفصیل و به صورت روزشمار پرداخته و اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران و عثمانی را توصیف کرده است.

### موردی کوتاه بر زندگی نویسنده

همان‌گونه که در ابتدای سفرنامه عتبات آمده، نویسنده، «میرزا حسین خان قراگوزلو شجاع‌السلطان همدانی مهاجرانی»، معروف به جامی، فرزند میرزا محمدخان، از اهالی

روستای مهاجران<sup>۱</sup> و از ملّاکان بزرگ شهر همدان است.

اگرچه در متون و منابع دوره قاجار، گزارش‌های مختصّی درباره شخصیت و زندگی نویسنده سفرنامه عتبات ارائه شده است، با تلاش بسیار و بر اساس دست‌نوشته‌های مؤلف از زندگی خصوصی‌اش، می‌توان به اطلاعات مفیدی در این زمینه دست یافت.

گزارش روشن و شفافی از تاریخ ولادت و وفات شجاع‌السلطان همدانی در دست نیست. اما بر اساس برخی اطلاعات متن سفرنامه، وی در سال ۱۳۲۱ قمری، هنگام حضورش در نجف اشرف، شصت سال داشته است<sup>۲</sup> که در نتیجه می‌توان چنین تخمین زد که ولادت وی، در سال ۱۲۶۱ قمری بوده است. همچنین، بنا به گزارش فرید‌الملک، وی تا اول شوال ۱۳۳۲ قمری زنده بوده است.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد، شجاع‌السلطان همدانی، یکی از چهره‌های شناخته‌شده و نامدار حکومت قاجار، به ویژه در دوره مظفری بوده است. بر اساس برخی گزارش‌ها، وی در سال ۱۳۱۲ قمری، یکی از صاحب‌منصبان فوج مخبران همدان، ابواب جمعی امیر‌الامرا، «مهدی‌خان منصور‌الدوله» بوده است که همراه وی وارد شیراز، و در قریه «نشر» ساکن می‌شود<sup>۴</sup> و سال‌های بسیاری را در فارس، در رتبه صاحب‌منصبان قاجار، سپری می‌کند.

۱. مهاجران (ماران)، یکی از شهرهای استان همدان است که در سمت شرقی بخش لالجین، از توابع شهر بهار، واقع شده است. این شهر پیش‌تر جزو دهستان حاجی‌لوی کبود‌آهنگ بود. در این شهر ۱۶۹۸ خانوار با جمعیتی بالغ بر ۷۷۵۸ تن ساکن‌اند. از این تعداد ۳۹۷۹ تن را مردان و ۳۷۷۹ تن را زنان تشکیل می‌دهند. مسجد جامع، تپه و پل مهاجران، معروف به «پل خانم»، از آثار تاریخی این شهر به شمار می‌رود (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد).

۲. وی در سفرنامه خود چنین می‌نویسد: «در این شصت [سال] عمر که چهل [وا] پنج سال است که بنده طالب مظہر کمال هستم» (ر.ک: ذیل عنوان، دلدادگی به طفل رشتی).

۳. فرید‌الملک همدانی، خاطرات فرید میرزا، ص ۴۴۰.

۴. فرید‌الملک در این زمینه چنین می‌نویسد: «از صاحب‌منصبان فوج مخبران مقرب الخاقان حسین‌خان سرتیپ مهاجرانی و... را می‌شناسم» (خاطرات فرید میرزا، ص ۱۳۱).

وی همچنین در دوره حکومت «ابوالقاسم خان ناصرالملک قراگوزلو» میان سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۲۳ قمری بر کردستان، مدیترانه‌ای به عنوان رئیس دیوانخانه عدليه<sup>۱</sup>، و چنان‌که خودش نوشته است، در همین زمان مدیترانه‌ای به عنوان نایب‌الایالت کردستان در آن نواحی حکومت کرده است و سپس به دلیل بی‌علاقه‌گی به ریاست و حکومت، از این سمت استغفا کرد.

او مدیترانه‌ای را نیز در اصفهان بود و زمانی که «عبدالحسین میرزا فرمانفرما»<sup>۲</sup>، والی کرمانشاه به سال ۱۳۲۲ قمری، پیشنهاد حکومت بروجرد و خرم‌آباد را به وی داد، از آن سر باز زد و شرافت سفر به عتبات را هزار بار بر حکومت و ریاست برتر دانست. نویسنده با بسیاری از رجال و دولتمردان قاجار مراوده داشته و مورد احترام آنان بوده است؛ چنان‌که در سفرهایش به عتبات، در شهرهای مختلف، به میهمانی برخی از آنها می‌رفته یا با آنان معاشرت داشته و در طول سفر با برخی از آنان نامه‌نگاری داشته است؛ مثلاً وی در نامه‌ای به متحن‌السلطنه در سال ۱۳۲۳ قمری، بر لزوم حفظ حقوق اتباع ایران، که در عتبات حضور دارند، تأکید می‌کند و از وی می‌خواهد به دلیل «سوء نیات و عرایض مغربانه ساکنین عرب»، از تغییر دادن و جابه‌جا کردن مأموران ایران خودداری کند.<sup>۳</sup>

## دوستدار علم و علما

حسین خان مهاجرانی، روابط بسیار دوستانه‌ای با علمای هم‌عصر خود داشت و به آنان بسیار احترام می‌گذاشت؛ به گونه‌ای که در سامرا برای تعزیت به منزل مرحوم

۱. سنندجی، *تحفه ناصری*، ص ۴۲۳.

۲. عبدالحسین میرزا فرمانفرما، معروف به نصرت‌الدوله (۱۲۳۶-۱۳۱۸ش) از طرف عین‌الدوله، صدراعظم، به سال ۱۳۲۲ قمری والی کرمانشاه شد و نظمی کامل در آن منطقه برقرار کرد (بانک اطلاعات رجال ایران).

۳. موجانی، *عتبات عالیات عرش درجات*، ص ۷۲۱.

میرزا حسن شیرازی<sup>۱</sup> می‌رود و به فرزندش، علی‌آقا، عرض تسلیت می‌کند. همچنین در منزل آقا شیخ محمد و آقا شیخ علی، پسر و داماد مرحوم حاجی آقارضا همدانی، حاضر می‌شود، یا به خانه مرحوم آقا سید شریف تویسر کانی<sup>۲</sup> می‌رود و مبلغ دوازده تومان برای مخارج روزانه به آقا سید مهدی، فرزندش می‌پردازد. گذشته از این، هنگام حضور در کربلا و نجف، گروهی از علمای اعلام با وی دیدار می‌کند و شجاع‌السلطان نیز به بازدید آنها می‌رود و هنگام اقامت در کربلا از برخی فضلا و علمای آنجا میزبانی می‌کند.

وی به زبان‌های مختلفی از جمله هندی، ترکی عثمانی، فرانسه و عربی آشنا بوده و با اقوام مختلف به هر زبانی سخن می‌گفته است<sup>۳</sup> و در طول سفرش به مناسبت‌های مختلف، برای افراد متعدد، مترجمی هر سه زبان را به فارسی بر عهده داشته است. وی نویسنده پرکاری نیز بوده است؛ به‌گونه‌ای که در تمام طول سفرش از دیده‌ها و شنیده‌هایش مطالب بسیاری را یادداشت‌برداری کرده و ارائه داده است؛ به‌ویژه درباره اوضاع پریشان ایران، در زمانی که در آستانه انقلاب مشروطه قرار داشت، اظهار نظرهای سیاسی و اجتماعی مفیدی بیان کرده است. وی در این‌باره نوشته است: «قدرتی مطالعه کتابچه را نموده، مطالب مراجعت از سامره که مانده بود را با خط خودم، تفصیلی از بی‌نظمی ایران و خرابی ایران نوشت».

علاوه بر این، علاقه وافری به کتاب و کتاب‌خوانی داشته است؛ چنان‌که در کربلا

۱. سید محمد حسن حسینی شیرازی (۱۲۴۰ق در شیراز - ۱۳۱۲ق در سامر) مشهور به میرزا شیرازی و میرزا مجدد، مرجع تقلید شیعیان بود (ویکی فقه).

۲. سید محمد شریف تویسر کانی (۱۲۴۲- ۱۳۲۲ق) فقیه و مجتهد شیعه، سال‌ها عهده‌دار تدریس در کربلا و سامر بود تا اینکه سرانجام در روز عید قربان در سامرادرگذشت. وی نویسنده کتاب «فقه الاستدلایی» در چند مجلد است (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد).

۳. «دو - سه نفر هندی در کاظمین دیده بودم. با هم هندی گفته بودیم. باز آمدند. پاره‌آای مطالب هندی صحبت کردیم. ایشان هم رفت» (ر.ک ذیل عنوان، بدسلوکی اهل سامرای زوار).

و نجف، برخی از روزها، به کتاب فروشی می‌رفته و به مباحث علمی درباره پاره‌ای<sup>۱</sup> مسائل می‌پرداخته و برخی اوقاتش را همراه دوستان با خواندن شعر سپری می‌کرده است.<sup>۲</sup>

بر اساس گزارش‌های خودنوشت، میرزا حسین خان مهاجرانی، انسان متعبد و متشرعی بوده است؛ چراکه بیشترین اشتغال وی در زمان اقامتش در عتبات عالیات، رفتن به حرم اهل بیت<sup>لعله</sup> و مرافق ایشان در آن دیار بوده است. از سوی دیگر، وقتی عبدالحسین خان فرمانفرما به او پیشنهاد بازی با تخته‌نرد را می‌دهد، چنین بیان می‌کند:

«بنده، به عمرم هیچ وقت به این کارها اقدام نکرده‌ام».

### بازسازی حرم حرم بن یزید ریاحی

مرقد حرم<sup>۳</sup> بن یزید ریاحی در فاصله نه کیلومتری غرب کربلا واقع شده است. جنازه آن آزادمرد را قبیله‌اش از میدان جنگ خارج کردند و در روستایی که در قدیم به آن «نواویس» می‌گفته‌اند و امروزه به سبب وجود قبر او به «روستای حرم» معروف است، به خاک سپرده‌اند.

آستان مبارک وی برای اولین بار در سال ۳۷۰قمری به دستور عضدالدوله دیلمی ساخته شد و شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۴قمری که موفق شد بغداد را فتح کند، گنبدی روی قبر حرم<sup>۴</sup> بنا کرد و صحن کوچکی برایش ساخت. او اولین کسی بود که به ساختن مرقد حرم<sup>۵</sup> اهتمام ورزید. سپس در زمان حکومت قاجاریه در ایران به دستور مادر آفاخان محلاتی، بنایی ساده در میان صحراء، به صورت چهاردیواری آجری و

۱. کمی، برخی.

۲. «مشغول خواندن کتاب‌های اهل سنت شدم، به جهت این‌که از کلام خودشان رَّ خودشان پیدا بکنم و خودشان در همه کتاب‌ها افضل بودن امیرالمؤمنین علی<sup>لعله</sup> را بر صحابه می‌نویسند، بعد باز کتمان می‌نمایند» (ر.ک.: ذیل عنوان، خردی صحیفه).

قلعه‌ای مستحکم، ساخته شد و زمانی که ناصرالدین‌شاه قاجار، آنجا را زیارت کرد، از خرابی و وضع نامطلوب و نگهداری بد آن بقعه به مدحت‌پاشا، حاکم عثمانی کربلا، گلایه، و برای تعمیر و نگهداری بهتر آن سفارش‌هایی کرد.<sup>۱</sup>

اما به نظر می‌رسد بازسازی کامل آن در سال ۱۳۲۵قمری به همت حسین‌خان شجاع‌السلطان همدانی انجام گرفته و عملیات تعمیر آن تا سال ۱۳۳۰قمری به طول انجامیده باشد. کتیبه‌ای بالای ایوان بقعه وجود دارد که نشان‌دهنده بانی و تعمیرکننده آن است، با این عبارت: «قد عمر هذا المكان بهمة آقا حسين خان شجاع‌السلطان همدانی دام ظله ... سنه ۱۳۳۰قمری».<sup>۲</sup>

## ویژگی‌های سفرنامه شجاع‌السلطان

به نظر می‌رسد که خان همدان سفرهای متعددی به عتبات عالیات داشته است. آن‌گونه که خودش نگاشته، پنجاه سال پیش از این سفر، با پدرش، میرزا محمد‌خان، به عتبات سفر کرده است؛ به طوری که تا پیش از این سفر، ۴۵ بار به عتبات رفته<sup>۳</sup> و حتی مورد اعتراض برخی از علمای نجف و کربلا قرار گرفته است.<sup>۴</sup> افزون بر این، وی مدت‌ها در کربلا منزل داشته و حتی در پی تهیه خانه‌ای در این شهر بوده است. او خود در بخشی از سفرنامه‌اش آورده است: «جميع كربلا بنده را می‌شناست و بنده جميع اهل كربلا را می‌شناسم. تمام، تبریک ورود گفتند و بنده شکر ملاقات کردم».

۱. ادیب‌الملک، سفرنامه/ادیب‌الملک به عتبات، ص ۲۱۳.

۲. خلیلی، موسوعة العتبات المقدسة، ج ۸، ص ۱۸۳.

۳. «وقتی با شیرازی، وقتی با طهرانی‌ها چهل و چهار - پنج دفعه آمد و مراجعت کردم. در این راه هیچ وقت خودم تنها نبودم. قومی همراه بودند» (ر.ک ذیل عنوان، همسفر شدن با سه نفر یهودی).

۴. «مهاجرانی به جناب مستطاب آقای حاجی اسدالله‌خان نظام‌العلماء فرمود: شما شش ماه پیش‌تر اینجا بودید، صلاح این است که بیشتر عجم بمانید» (ر.ک، ذیل عنوان، ملاقات با نظام‌العلماء).

بر این اساس به نظر می‌رسد مهاجرانی، در سال‌های پایانی عمرش، خانه‌ای در کربلا نیز برای خودش تهیه کرده است. تبیان‌الملک، در سفرنامه‌اش، به این موضوع اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

سفرهای شجاع‌السلطان به عتبات بسیار بوده است؛ چراکه بارها در سفرنامه‌اش برای منازلی که به‌منظور سکونت خود و همراهانش تهیه می‌کند، لفظ «منزل قبلی» یا «سینه ماضیه» به کار می‌برد. اما آنجه مسلم است، وی یک‌بار در سال ۱۳۱۶قمری، و چندین مرتبه متواتی، در سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲قمری به عتبات عالیات مشرف شده است<sup>۲</sup> و شرح مسافرت خود را در دو سال آخر، نگاشته است.

سفرنامه‌ای که به تصحیح و چاپ آن اقدام شده، دو سفرنامه به قلم میرزا حسین‌خان مهاجرانی است که اولی، روز سه‌شنبه چهارم رمضان‌المبارک سنه ۱۳۲۱قمری آغاز شده و در سه‌شنبه شانزدهم صفر‌المظفر سال ۱۳۲۲قمری پایان پذیرفته است و دومی، روز یک‌شنبه دهم شوال ۱۳۲۲قمری، برابر با روز اول چله زمستان ۱۲۸۳شمسی، از همدان آغاز شده و تا روز شنبه ۲۳ ماه صفر ۱۳۲۳قمری، به مدت چهار ماه، ادامه یافته است. از آنجا که نویسنده از خوانین سرشناس همدان بوده و سفرهای بسیاری به عتبات داشته، از اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران و عراق، و همچنین از وضعیت نابهنجار سیاسی ایران، اطلاعات چشم‌گیری ارائه می‌دهد؛ از جمله، وی به اوضاع وحشتناک بهداشتی در مسیر عتبات پرداخته و جزئیات مرض وبا را که در سال ۱۳۲۱قمری، دامن‌گیر مردم ایران و عراق شد و صدھا کشته بر جا نهاد، به طور کامل

۱. تبیان‌الملک می‌نویسد: «روز پنجم‌شنبه، بیست و هفتم محرم ۱۳۳۰قمری، ساعت چهار به خانه شجاع‌السلطان همدانی برای بازدید رفتم» (وهمن، سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۴۰۴).
۲. فرید‌الملک در خاطراتش آورده است که در سال ۱۳۲۱قمری، هنگام عزیمت از تهران به کرمانشاه، در حوالی کنگاور در روز دوشنبه ۲۰ صفر ۱۳۲۱ به آقای حسین‌خان مهاجرانی، شجاع‌السلطان، که از عتبات مراجعت می‌کرده، برخورد کرده است: ر.ک: (فرید‌الملک همدانی، خاطرات فرید میرزا، ص ۹).

گزارش کرده و چگونگی برخورد دولت عثمانی با زوار عتبات و حبس کردن آنان در قرنطینه و اخراج بسیاری از آنان را شرح و بسط داده است؛ به گونه‌ای که با رجوع به برخی از کتاب‌ها و اسناد و خاطراتی که در این مورد نوشته شده است، نمی‌توان هیچ خدشه‌ای به اصالت گزارش‌های مهاجرانی وارد کرد.

وی همچنین مهارت بسیاری در خرید اسب داشته و یکی از متخصصان در انتخاب اسب بوده است. از این‌رو در این سفرنامه، اطلاعات ارزشمندی در این‌باره وجود دارد. نکته دیگر آنکه مطالعه سفرنامه خان همدان، خواننده را با برخی سرگرمی‌های زوار در مسیر راه، و همچنین در زمان اقامت در کربلا و نجف آشنا می‌کند.<sup>۱</sup>

از آنجا که نویسنده در روزهای عید قربان و غدیر و همچنین در ماه محرم و صفر در عتبات حضور داشته است، به چگونگی حرکت مردم از شهرهای عراق به کربلا و نجف برای زیارت آن اماکن مقدس در این روزهای مهم، و نیز شیوه عزاداری شیعیان در کربلا و چگونکی رفتار مأموران دولت عثمانی با عزاداران و ایجاد نظم توسط ایشان در روز عاشورا و تاسوعا و نیز به درگیری‌های دسته‌جات عزاداری در حائر حسینی پرداخته است.

## ویژگی‌های نوشتاری متن اصلی و تصحیح آن

نشر و ادبیات نوشتاری مهاجرانی، بسیار سلیس، و همانند سایر رساله‌ها و کتاب‌های ادبی است که در دوره قاجار تدوین شده است؛ اما خالی از عیوب لفظی و معنوی نیست و در برخی موارد، تعقیدات فراوانی دارد. ولی به هر صورت در مقایسه با بسیاری از سفرنامه‌های دیگر که در این زمان نوشته شده است، نثری نسبتاً روان و قابل

۱. وی در این‌باره چنین می‌نویسد: «گاهی اسب قیمت می‌کردیم، گاهی کُره می‌آوردند، گاه اسب و کره‌های خودمان را می‌آوردند؛ تماشا می‌کردیم. همه روزه مشغولیات خوبی داشتم. طرف عصر تماشای خوبی داشته، مغرب هم به طرف حرم و زیارت مشرف شده، زیارت [کردیم] و در صحن گردش و تماشا، گاهی درب حجره جناب آفاسیخ‌مهدی کتاب‌فروش، از خدام و آفایان هم می‌آمدند، صحبت می‌نمودند» (ر.ک: ذیل عنوان زیارت مرقد حرّ).

فهم دارد و در آن از کلمات عامیانه و برخی اصطلاحات اصیل فارسی که در گویش مردم همدان رواج دارد، استفاده شده است.

هنگام بازنخوانی متن، اهتمام مصحح بر این بوده است که با حفظ امانت در اصل کتاب، مقصود نویسنده، و نیز سبک لغات و اصطلاحات رایج خاطر نویسی در آن دوره، رسم الخط آن را به شکل امروزی اصلاح کند. از این رو پیش از مطالعه متن، توجه به موارد زیر لازم است:

۱. در این سفرنامه، ترکیب حرف ب (جزء پیشین فعل) پیوسته جدای از فعل نوشته شده بود، مانند: «به بینیم» به جای «ببینیم»، که این افعال به شیوه املای امروزی تغییر یافت؛
۲. در واژگانی که به «ة» عربی متنه می‌گردد، در شکل فارسی آن مورد استفاده قرار گرفته است؛ مثل «جهة» که بدین گونه نوشته شد «جهت» یا «صورة» و «حجۃ» که به شکل «صورت» و «حجۃ» تصحیح شد؛
۳. حذف واو از برخی کلمات؛ مثل «دواعا» که به «دعا» و «دورست» که به «درست» تغییر یافت؛

۴. در همه موارد، واژه «ناهار» به جای «نهار» درج شده است؛
۵. ترکیب واژه «این» با واژه «از»، یا با واژه «در»، به صورت «ازین» یا «درين» آمده است که در تصحیح، از شکل امروزی آن استفاده شد؛
۶. در تصحیح، با مراجعه به لغت‌نامه دهخدا یا فرهنگ معین و همچنین برخی منابع و سایت‌های اینترنتی، تعدادی از کلمات و مکان‌ها و اشخاص، در زیرنویس توضیح داده شد. گفتندی است که در نوشته‌های عامیانه دوره قاجار معمولاً افعال به صورت مفرد به کار گرفته می‌شود؛ هرچند مسندالیه آن جمع باشد.

## معرفی نسخه

این نسخه به زبان فارسی است و به شماره ۴۷۹۱ در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران درج شده است.

آغاز نسخه سفرنامه: «سفرنامه حاجی میرزا حسین خان مهاجرانی همدانی از همدان به عتبات و مراجعت در سنه ۱۳۲۱ هجری قمری از لحاظ آگاهی به اوضاع و احوال آن زمان و زندگانی مردم بسیار مفید است؛ مخصوصاً از آن جهت که وی مردی ملاک و معین و فهمیده بوده و تا اندازه‌ای وقوف به جریانات اجتماعی و سیاسی داشته، مورد استفاده شایان است».

پایان نسخه: «در سرای محتشم الملک، حجره آقامهدی آقارجب، تاجر فرش در همدان، زاهدان خدمت جناب آقا سیدعلی اصغرخان رفته، در محله زاهدان در خدمت حاجی ملارفیع خان طالعه سرکار حاجی ملاحسین خان، پسرانشان سید محمد، سیدحسین یحیی بغدادی منزل در کوچه سحر».

#### نوع خط: نستعلیق

کاتب: گویا سفرنامه اول و برخی از صفحات سفرنامه دوم به خط نگارنده باشد. اما بیشتر نسخه سفرنامه دوم را کاتبی ناشناس نوشته و نسخه تصحیح شده است.

تاریخ کتابت: ندارد.

جلد نسخه: تیماج قهوه‌ای، بدون مقوا.

ابعاد نسخه: ۱۳ در ۳۲ سانتی‌متر.

تعداد صفحات: ۱۵۴ برگ با سطوح مختلف.

وظیفه خود می‌دانم از همه دوستان عزیزی که در تهیه و تصحیح این نسخه، حقیر را یاری کرده‌اند، تشکر و قدردانی کنم؛ به ویژه از مسئولان پژوهشکده حج و زیارت و نیز انتشارات مشعر.

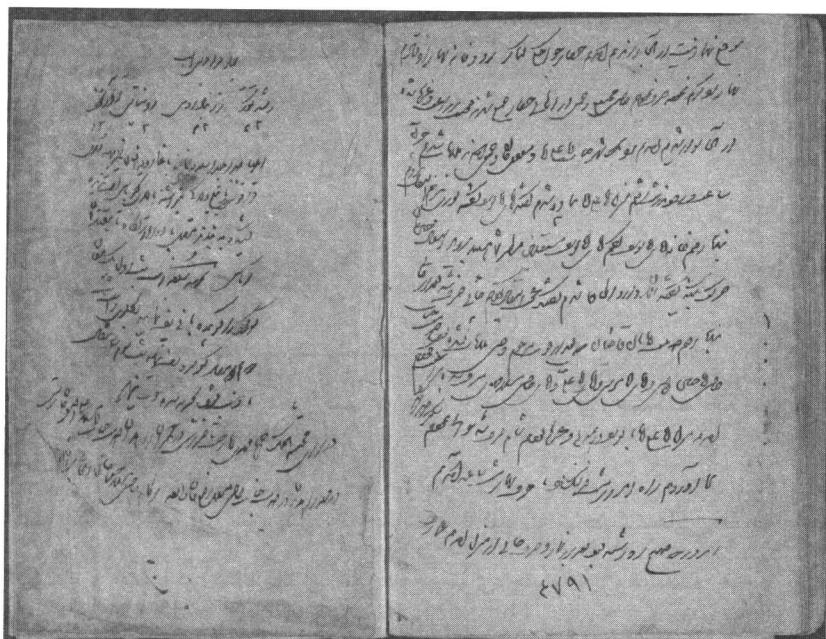
ناگفته پیداست که این اثر، بدون توجهات و تأکیدات شخصیت‌هایی همچون جناب حجۃ‌الاسلام و المسلمين سیدمهدی علیزاده موسوی، مسئول پژوهشکده حج و زیارت و جناب حجۃ‌الاسلام و المسلمين محمدمهدی فقیه بحرالعلوم، مدیر گروه تاریخ و سیره، بدین صورت پایان نمی‌یافتد.

همچنین از دوست عزیزم، دکتر حسن زندیه و جناب آقای علیرضا اباذری که به

آسانی، تصویر نسخه‌های این کتاب را در اختیار بندۀ گذاشتند و در تهیه، بازخوانی و چاپ این اثر، حقیر را یاری کردند، و همچنین از سرکار خانم رسولزاده حسینی که تایپ و ویرایش آن را بر عهده داشت، سپاس‌گزارم.

در پایان، با طلب عفو و رحمت از درگاه ایزد منان برای روح پاک پدرم که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه کنم و قدردانی از مادرم، دریای بی‌کران فداکاری و عشق، که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر و گنج، و همچنین همسرم، اسطوره زندگی ام، پناه خستگی ام و امید بودنم، و فرزندان عزیزم، سخن را به آخر می‌رسانم.

سیدخلیل طاووسی ولندانی (میر طاووسی)



صفحه اول